

سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی؛ مطالعه تطبیقی ایران و ترکیه در حوضه‌های آبی فرامرزی

معصومه طلعتی^۱، خسرو مزرعی^{۲*}، عبدالرضا بای^۳

۱۶

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۶
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۸/۲۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۱۰/۲۵
صص: ۲۴۸-۲۱۳

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۵۵۱



چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سیاست‌گذاری منابع آبی بر امنیت ملی ایران و مقایسه آن با تجربه ترکیه در مدیریت حوضه‌های آبی فرامرزی است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: «سیاست‌های مدیریت منابع آب چگونه بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارند و تجربه ترکیه در این زمینه چه درس‌هایی می‌تواند ارائه دهد؟» فرضیه پژوهش دلالت بر این موضوع دارد که سیاست‌گذاری ناکارآمد منابع آبی ایران باعث تضعیف بخشی از مؤلفه‌های امنیت ملی می‌شود، درحالی‌که تجربه ترکیه در مدیریت حوضه‌های فرامرزی نشان‌دهنده تأثیر مثبت سیاست‌گذاری هماهنگ و استراتژیک بر امنیت ملی است. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی و نظریه امنیت منابع آب و مدل سیاست‌گذاری تطبیقی نشان داد که سیاست‌های مدیریت منابع آب ایران با وجود چالش‌های فراگیر، ظرفیت‌هایی برای ارتقاء هماهنگی بین‌بخشی و بهبود ثبات منطقه‌ای دارد؛ تجربه ترکیه با رویکرد یکپارچه و استراتژیک در مدیریت حوضه‌های مشترک، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری هماهنگ می‌تواند پیامدهای مثبتی برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و تقویت امنیت ملی ایجاد کند. مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که تقویت همکاری‌های فرامرزی و بهره‌گیری از سیاست‌های یکپارچه می‌تواند فرصت‌های ایران را برای ارتقاء امنیت ملی افزایش دهد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این موضوع است که ارتقاء سیاست‌گذاری منابع آبی ایران و استفاده از تجربیات موفق کشورهای همسایه، می‌تواند امنیت ملی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی تقویت و راهبردی برای مدیریت چالش‌های آبی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: منابع آب؛ امنیت ملی؛ سیاست‌گذاری؛ ایران؛ ترکیه.

DOI: 10.22080/jpir.2025.30677.1509

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران، (نویسنده مسؤول). رایانامه:

Kh.mazrai@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۱. مقدمه

آب به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین منابع طبیعی، نقش بنیادینی در توسعه پایدار، رفاه اجتماعی و امنیت ملی کشورها ایفا می‌کند. مدیریت بهینه منابع آب، نه تنها زمینه‌ساز تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه است، بلکه می‌تواند امنیت محیط زیست و ثبات منطقه‌ای را نیز تضمین کند (نمانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳: ۷۷). در دهه‌های اخیر، تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت و فشار بر منابع آبی، اهمیت سیاست‌گذاری مؤثر را در این حوزه دوچندان کرده است. این وضعیت به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک که منابع آب محدود و حساس هستند، چالش‌های قابل توجهی ایجاد و مدیریت هوشمندانه منابع آب را به یک ضرورت ملی و فراملی تبدیل می‌کند. با وجود اهمیت حیاتی منابع آب، بسیاری از کشورها هنوز با چالش‌هایی در زمینه سیاست‌گذاری، تخصیص و مدیریت منابع آبی روبه‌رو هستند (داس و میشرآ، ۲۰۲۵: ۱۴۲-۱۴۱). این چالش‌ها شامل پراکندگی سیاست‌ها، ضعف هماهنگی بین‌بخشی و کمبود تجربه‌های تطبیقی موفق است. از سوی دیگر، حوضه‌های آبی فرامرزی به دلیل ماهیت مشترک و حساسیت سیاسی، موضوعات پیچیده‌تر و اثرات امنیتی گسترده‌تری ایجاد می‌کنند. این مسأله موجب می‌شود که نیاز به تحلیل تطبیقی و شناسایی تجربه‌های موفق کشورها بیش از پیش احساس شود (علیزاده و همکاران، ۲۰۲۵: ۳-۲). در این راستا، مطالعه حاضر با تمرکز بر ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور دارای حوضه‌های آبی مشترک، به بررسی تأثیر سیاست‌گذاری منابع آب بر امنیت ملی پرداخته و تلاش می‌کند درس‌های ارزشمند این تجربه‌ها را ارائه دهد.

پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ زیرا منابع آب به‌عنوان مؤلفه‌ای حیاتی امنیت ملی، در صورت مدیریت نادرست، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای ایجاد

¹ Namany

² Das & Mishra

می‌کنند. با تحلیل تطبیقی ایران و ترکیه، امکان شناسایی سیاست‌ها و الگوهای موفق فراهم می‌شود. این مطالعه، راهبردهای عملی برای بهبود هماهنگی بین‌بخشی و افزایش ثبات منطقه‌ای ارائه می‌دهد. با توجه به فشارهای اقلیمی، افزایش تقاضا و محدودیت منابع، مدیریت هوشمندانه آب یک ضرورت استراتژیک برای حفظ امنیت ملی و توسعه پایدار است. با این مقدمات، هدف نویسندگان در پژوهش حاضر بحث و بررسی پیرامون موضوع مهم سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی و مطالعه تطبیقی ایران و ترکیه در حوضه‌های آبی فرامرزی است. در این راستا، پرسش اصلی عبارت است از: «سیاست‌های مدیریت منابع آب چگونه بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارند و تجربه ترکیه در مدیریت حوضه‌های آبی فرامرزی چه درس‌هایی ارائه می‌دهد؟» در ادامه نیز برخی از مهم‌ترین سوالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. چه چالش‌هایی در سیاست‌گذاری منابع آب ایران و ترکیه وجود دارد و چگونه بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارند؟
۲. تجربه ترکیه در مدیریت حوضه‌های آبی مشترک چه عناصر موفقیتی دارد که قابل اقتباس برای ایران است؟
۳. نقاط قوت و ضعف سیاست‌های آب ایران در حوضه‌های فرامرزی کدامند؟
۴. هماهنگی بین‌بخشی و همکاری‌های فرامرزی چه نقشی در تقویت امنیت ملی دارد؟

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

منابع آب از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل، امنیت و توسعه پایدار، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی و از عناصر زیرساختی امنیت انسانی به‌شمار می‌روند. در ادبیات امنیتی معاصر، آب به‌عنوان منبعی چندبعدی در پیوند با امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت انرژی، امنیت اجتماعی و محیط زیست مورد تحلیل قرار می‌گیرد

(اورینبایف^۱، ۲۰۲۴: ۱۱۹). به همین دلیل، سیاست‌گذاری در حوزه منابع آب نه تنها یک مسأله مدیریتی و زیست‌محیطی، بلکه فرآیندی امنیتی، سیاسی و ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های داخلی و منطقه‌ای دارد.

۲-۱. نظریه امنیت منابع آب

نظریه «امنیت منابع آب»^۲ یکی از چارچوب‌های اصلی برای تحلیل رابطه میان آب و امنیت ملی است. این نظریه بر این مبنا استوار است که امنیت آب شامل توانایی یک کشور برای محافظت از منابع آبی، تضمین دسترسی پایدار و ایمن به آب و کاهش تهدیدات مرتبط با کمبود یا آلودگی آب است (هریامسال^۳ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۶۹-۱۶۸). این نظریه ابعاد مختلفی را شامل می‌شود:

بعد اقتصادی: آب نقش حیاتی در کشاورزی، صنعت، انرژی و اشتغال دارد. کمبود آب یا سیاست‌های ناکارآمد در مدیریت آن می‌تواند تولید اقتصادی را مختل و ثبات اقتصادی را تضعیف کند؛

بعد اجتماعی: امنیت آب بر سلامت عمومی، مهاجرت‌های اجباری و نارضایتی اجتماعی اثر می‌گذارد. از منظر نظری، ناهماهنگی در توزیع آب می‌تواند به تعارضات اجتماعی و کاهش انسجام داخلی منجر شود؛

بعد محیط زیستی: نظریه امنیت آب بر ضرورت حفاظت از اکوسیستم‌های آبی برای تضمین پایداری بلندمدت تأکید دارد. تخریب محیط زیست آبی در بلندمدت به تهدیدی امنیتی بدل می‌شود؛

بعد سیاسی — امنیتی: آب می‌تواند به ابزاری سیاسی در روابط میان کشورها بدل شود. نظریه امنیت آب تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری‌های یک‌جانبه یا غیرهماهنگ در

¹ Orynbayev

² Water Security Theory

³ Heriamsal

مدیریت حوضه‌های مشترک می‌تواند ریسک‌های امنیت ملی را افزایش دهد (روی^۱، ۲۰۲۵: ۱۵۹-۱۵۵).

براساس این نظریه، سیاست‌گذاری کارآمد در حوزه منابع آب به‌عنوان سازوکار تقویت‌کننده امنیت ملی شناخته می‌شود، درحالی‌که سیاست‌گذاری ضعیف می‌تواند تهدیدآفرین باشد.

۲-۲. نظریه‌های حکمرانی آب

در ادبیات سیاست‌گذاری آب، مفهوم «حکمرانی آب»^۲ نسبت به «مدیریت آب» گسترده‌تر تلقی می‌شود. حکمرانی آب به چگونگی تصمیم‌گیری، تعامل کنشگران مختلف، توزیع قدرت، سازوکارهای هماهنگی نهادی و شیوه مشارکت ذی‌نفعان می‌پردازد (جعفری^۳، ۲۰۲۵: ۸۹) سه چارچوب مهم در این حوزه عبارت‌اند از:

۱. حکمرانی یکپارچه منابع آب^۴: این رویکرد بر هماهنگی میان بخش‌های مختلف (کشاورزی، صنعت، محیط زیست، انرژی)، مدیریت مبتنی بر حوضه آبریز، مشارکت ذی‌نفعان و استفاده پایدار تأکید دارد. بر مبنای این نظریه، آب یک منبع میان‌بخشی است و سیاست‌گذاری آن باید در سطح راهبردی و با رویکردی هماهنگ صورت گیرد؛

۲. نظریه چندسطحی بودن حکمرانی^۵: این نظریه توضیح می‌دهد که منابع آب اغلب تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های محلی، ملی و فراملی قرار دارند. از این منظر، هماهنگی میان سطوح مختلف حکمرانی برای جلوگیری از بروز تعارضات و افزایش کارآمدی ضروری است؛

¹ Roy

² Water Governance

³ Jafari

⁴ Integrated Water Resources Management (IWRM)

⁵ Multi-level Governance

۳. نظریه امنیت انسانی در حوزه آب: این رویکرد با دیدگاهی انسان‌محور، تضمین دسترسی به آب سالم و پایدار را پیش‌شرط امنیت انسانی تلقی می‌کند. ناکارآمدی در تأمین آب می‌تواند به ناامنی غذایی، نابرابری و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود (بیلالوا^۱، ۲۰۲۵: ۷-۱۱).

۲-۳. نظریه ژئوپلیتیک آب

از منظر نظریه‌های ژئوپلیتیک، آب یک «منبع استراتژیک» است و کنترل یا مدیریت آن می‌تواند ابعاد امنیتی، قدرت‌افزا و گاه تنش‌زا داشته باشد (گیریتلیوگلو و تسوی^۲، ۲۰۲۴: ۱۱۹). نظریه ژئوپلیتیک آب بر دو مفهوم کلیدی تأکید می‌کند:

۱. وابستگی متقابل در حوضه‌های فرامرزی: نظریه پردازان معتقدند هرچه وابستگی در یک حوضه مشترک بیشتر باشد، احتمال تعارض یا همکاری افزایش می‌یابد و این امر مستقیماً به سیاست‌گذاری‌های آب مرتبط است؛

۲. قدرت هیدروپلیتیک: بر مبنای این دیدگاه، کشورها از طریق سازوکارهای سیاست‌گذاری و کنترل منابع آب، سطحی از قدرت چانه‌زنی یا بازدارندگی ایجاد می‌کنند. سیاست‌گذاری‌های هماهنگ و استراتژیک می‌تواند نفوذ سیاسی و امنیتی کشورها را افزایش دهد (شرینگ^۳، ۲۰۲۳: ۷۳۲-۷۳۰).

۲-۴. مدل سیاست‌گذاری تطبیقی در حوزه آب

مدل‌های سیاست‌گذاری تطبیقی^۴ ابزار نظری کلیدی در تحلیل تطبیقی تجارب کشورها در مدیریت منابع آب محسوب می‌شوند. این مدل‌ها بر موارد زیر تمرکز دارند:

¹ Bilalova

² Giritlioglu & Tsou

³ Sehring

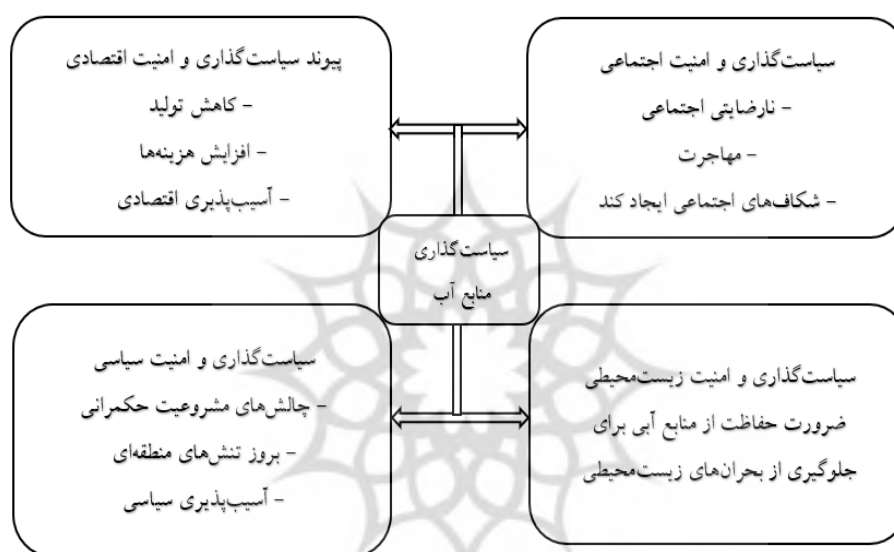
⁴ Comparative Policy Models

۱. پویایی سیاست‌گذاری: بررسی چگونگی شکل‌گیری سیاست‌ها، نحوه اجرا و پیامدهای امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها؛
 ۲. مقایسه ساختار نهادی: شامل قانون‌گذاری، سیستم‌های توزیع آب، سازمان‌های هماهنگ‌کننده و میزان یکپارچگی تصمیم‌گیری؛
 ۳. تحلیل پیامدها: ارزیابی اثر سیاست‌ها بر امنیت ملی، کاهش یا افزایش تنش‌های منطقه‌ای، کارآمدی اقتصادی و پایداری محیط زیست؛
 ۴. درس‌آموزی سیاستی: این مدل بر سازوکارهای انتقال تجربه و اقتباس سیاستی تأکید دارد؛ به عبارت دیگر، چگونه یک کشور می‌تواند سیاست‌های موفق سایر کشورها را مطابق زمینه‌های داخلی خود تعدیل و اجرا کند (حضور، ۱۴۰۱: ۵۵-۶۱).
- این چارچوب به دلیل قابلیت بررسی ابعاد مختلف امنیت و سیاست، امکان تحلیل تطبیقی کارآمدی سیاست‌گذاری آب را در کشورها فراهم می‌کند.

۲-۵. ارتباط نظری میان سیاست‌گذاری آب و امنیت ملی

- در پژوهش حاضر، رابطه سیاست‌گذاری آب و امنیت ملی با بهره‌گیری از نظریه امنیت منابع آب، مدل حکمرانی یکپارچه و الگوی سیاست‌گذاری تطبیقی تبیین می‌شود. پیوندهای کلیدی این رابطه عبارت‌اند از:
۱. پیوند سیاست‌گذاری و امنیت اقتصادی: سیاست‌های ناکارآمد آب به کاهش تولید، افزایش هزینه‌ها و آسیب‌پذیری اقتصادی منجر می‌شود؛
 ۲. پیوند سیاست‌گذاری و امنیت اجتماعی: کمبود آب یا توزیع ناعادلانه آن می‌تواند نارضایتی اجتماعی، مهاجرت و شکاف‌های اجتماعی ایجاد کند؛
 ۳. پیوند سیاست‌گذاری و امنیت سیاسی: مدیریت نامتوازن آب ممکن است به چالش‌های مشروعیت حکمرانی، بروز تنش‌های منطقه‌ای و آسیب‌پذیری سیاسی بیانجامد؛

۴. پیوند سیاست‌گذاری و امنیت محیط‌زیستی: این بخش به ضرورت حفاظت از منابع آبی برای جلوگیری از بحران‌های زیست‌محیطی اشاره دارد. براساس رویکرد نظری، کشورهایی که سیاست‌گذاری آب را با عقلانیت راهبردی، هماهنگی بین‌بخشی و مدیریت سازنده در حوضه‌های مشترک دنبال می‌کنند، امنیت ملی خود را تقویت می‌کنند.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش؛ رابطه سیاست‌گذاری آبی و امنیت ملی (طراحی: نویسندگان)

در خصوص پیشینه پژوهش بایستی اذعان داشت به رغم وجود طیف وسیعی از تحقیقات صورت گرفته در خصوص سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی واقعیت این است که پژوهشی که به نحوی مستقل و جامع این موضوع را با رویکرد تطبیقی میان ایران و ترکیه در حوضه‌های آبی فرامرزی انجام داده باشد، یافت نشد. در واقع، با وجود اهمیت منابع آب به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی توسعه پایدار و امنیت ملی، تاکنون پژوهشی جامع که به‌طور هم‌زمان تأثیر سیاست‌گذاری منابع آب را

بر امنیت ملی ایران و مقایسه آن را با تجربه کشورهای موفق در مدیریت حوضه‌های فرامرزی مانند ترکیه بررسی کند، انجام نشده است. مطالعات پیشین عمدتاً به تحلیل مسائل اقتصادی، محیط زیستی یا فنی منابع آب پرداخته‌اند و نقش امنیت ملی در سیاست‌گذاری منابع آبی، به صورت نظام‌مند مورد توجه قرار نگرفته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام یک مطالعه تطبیقی و تحلیلی را در این حوزه آشکار می‌کند. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی و تحلیلی، سیاست‌گذاری منابع آب ایران را با تجربه موفق ترکیه بررسی کرده و ارتباط میان تصمیمات آبی و پیامدهای امنیت ملی را شفاف کند. این پژوهش از جنبه‌های مختلف نوآورانه است که عبارت‌اند از:

تأکید بر امنیت ملی: برخلاف مطالعات گذشته که غالباً جنبه‌های اقتصادی و محیط‌زیستی منابع آب را مورد توجه قرار داده‌اند، این پژوهش نقش مدیریت آب را در حفظ و تقویت امنیت ملی تحلیل می‌کند.

رویکرد تطبیقی ایران و ترکیه: ارائه یک تحلیل تطبیقی و استخراج درس‌های کاربردی از تجربه موفق ترکیه در مدیریت حوضه‌های فرامرزی، رویکردی نوین و کاربردی در ادبیات سیاست‌گذاری آب است.

ترکیب روش‌ها و مدل‌ها: استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مدل سیاست‌گذاری تطبیقی برای بررسی هم‌زمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی، باعث غنای علمی و کاربردی پژوهش شده است.

چارچوب مفهومی کاربردی: ارائه چارچوب مفهومی منسجم که ارتباط میان سیاست‌گذاری آب و پیامدهای امنیت ملی را به صورت نظام‌مند نشان می‌دهد و قابلیت استفاده در تصمیم‌گیری‌های راهبردی را دارد.

در مجموع، این پژوهش با تمرکز بر امنیت ملی و بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی، توانسته خلاً موجود در مطالعات منابع آب و سیاست‌گذاری را پر کرده و چارچوبی نوآورانه برای تحلیل تأثیر سیاست‌های آبی بر ثبات و تاب‌آوری ملی ارائه دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی بهره می‌برد و داده‌ها از منابع ثانویه شامل گزارش‌های رسمی، مطالعات علمی، آمارهای بین‌المللی و اسناد سیاست‌گذاری استخراج شده‌اند. چارچوب نظری مطالعه بر پایه نظریه امنیت منابع آب و مدل سیاست‌گذاری تطبیقی طراحی شده که ارتباط میان سیاست‌گذاری منابع آب و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امنیت ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴. چالش‌های سیاست‌گذاری منابع آبی در ایران و تبیین پیامدهای آن بر امنیت ملی

سیاست‌گذاری منابع آب در ایران به دلیل تنوع اقلیمی، فشارهای ناشی از رشد جمعیت و ناهماهنگی نهادی، یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های سیاست عمومی به‌شمار می‌رود. مدیریت آب در ایران نه تنها یک مسأله زیست‌محیطی یا اقتصادی، بلکه موضوعی راهبردی و مرتبط با امنیت ملی تلقی می‌شود (عراقچی، ۱۴۰۱: ۷). از طرفی واقعیت این موضوع در ایران حکایت از این موضوع دارد که ساختار و محتوای سیاست‌گذاری‌های آبی کشور ایران طی دهه‌های اخیر با چالش‌هایی مواجه بوده که پیامدهای امنیتی قابل توجهی را رقم زده است. این بخش با تمرکز بر ابعاد نهادی، مدیریتی و حکمرانی و سپس پیامدهای امنیتی، تصویری منسجم از وضعیت کنونی سیاست‌گذاری آب ارائه می‌کند.

۴-۱. چالش‌های نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری آب ایران

واقعیت این است که ساختار نهادی مدیریت آب در ایران به جای برخورداری از یک الگوی یکپارچه و هماهنگ، با پراکندگی وظایف، تداخل نقش‌ها و نوعی رقابت پنهان و آشکار میان سازمان‌های مختلف همراه است. تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و مجری شامل وزارتخانه‌ها، سازمان‌های تخصصی، شرکت‌های تابعه و شوراهای عالی سبب شده است که در عمل «مرکز فرمان‌دهی واحد» برای هدایت سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای آن شکل نگیرد. این چندپارگی نهادی، روند تصمیم‌گیری را پیچیده کرده، اجرای سیاست‌ها را دچار تعارض و کندی ساخته و عملاً مانعی در برابر اتخاذ رویکردهای بلندمدت و پایدار در مدیریت منابع آب ایجاد کرده است (متقی، ۱۴۰۱: ۶۳-۶۱).

در چنین ساختاری، هر نهاد با اتکا به اختیارات قانونی خود به صورت بخشی عمل می‌کند، بدون آنکه سازوکار مؤثری برای هماهنگی میان تصمیمات وجود داشته باشد. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری سیاست‌هایی است که نه تنها با یکدیگر هم‌سو نیستند، بلکه در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی کرده یا به‌طور غیرمستقیم تعارض نهادی ایجاد می‌کنند. برای نمونه، توسعه سیاست‌های کشاورزی آب بر بدون هماهنگی با نهادهای مسؤول منابع آب یا محیط زیست، خود نمونه‌ای از نبود یکپارچگی تصمیم‌گیری است (یوسفیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۵-۱۱۴).

در سطح کلان نیز فقدان یا ضعف یک نظام حکمرانی یکپارچه باعث شده است که برنامه‌ریزی منابع آب نه بر مبنای ظرفیت واقعی حوضه‌ها، بلکه بیشتر براساس نیازها و فشارهای بخشی صورت گیرد. چنین وضعیتی، امکان اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد، مدیریت تعارضات و اعمال نظارت هوشمند بر برداشت‌ها را کاهش می‌دهد و راه را برای گسترش رفتارهای سلیقه‌ای و غیرکارشناسی باز می‌گذارد. در عمل، این پراکندگی نهادی، کشور را از بهره‌مندی از یک «چشم‌انداز ملی آبی» محروم کرده و توان نظام

حکمرانی را برای مواجهه با بحران‌های آبی به شکل اساسی محدود ساخته است (رهبرقاضی و طالعی حور، ۱۴۰۳: ۴۲۸-۴۲۶).

از منظر امنیتی نیز پیامدهای این ناهمگونی نهادی قابل توجه است. فقدان مرکز فرمان‌دهی واحد، ظرفیت دولت را برای پاسخ به بحران‌های آبی تضعیف می‌کند و در شرایط تنش، امکان هماهنگی میان دستگاه‌ها را کاهش می‌دهد. این امر می‌تواند به تشدید اختلافات منطقه‌ای، کاهش مشروعیت تصمیمات، افزایش نارضایتی اجتماعی و حتی ایجاد مخاطرات امنیت داخلی منجر شود. به بیان دیگر، پراکندگی نهادی نه تنها یک چالش مدیریتی است، بلکه یک تهدید امنیتی درازمدت برای ثبات و کارآمدی حکمرانی منابع حیاتی کشور محسوب می‌شود.

از طرفی، از منظر حکمرانی چندسطحی، ناهم‌هنگی در ساختار مدیریت آب موجب ایجاد «شکاف سیاستی» می‌شود؛ شکافی که در آن اهداف کلان ملی با اقدامات بخشی تطابق ندارد. این شرایط ظرفیت نظام برای پاسخ سریع، علمی و هماهنگ به بحران آب را تضعیف کرده و زمینه بروز تعارض میان دستگاهی را فراهم می‌سازد. پیامد مستقیم چنین وضعیتی، کاهش کارآمدی حکمرانی و افزایش احتمال تبدیل چالش‌های آبی به بحران‌های امنیتی است؛ زیرا هر اندازه انسجام نهادی کم‌تر باشد، توان حکمرانی برای حفظ ثبات و جلوگیری از تنش‌های ناشی از کمبود آب نیز کاهش می‌یابد.

۲-۴. فشار بر منابع زیرزمینی و بحران ناشی از برداشت بیش از ظرفیت

برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی در ایران به تدریج به یک بحران عمیق و ساختاری تبدیل شده است؛ بحرانی که نه در یک دوره کوتاه‌مدت، بلکه طی چند دهه انباشت شده و امروز آثار آن در گستره وسیعی از دشت‌ها و حوضه‌های آبریز کشور قابل مشاهده است. اتکای شدید به سفره‌های زیرزمینی برای تأمین نیازهای کشاورزی، شرب و حتی بخشی از صنعت، در کنار ضعف نظام نظارتی، نبود سازوکارهای مؤثر

برای کنترل برداشت‌ها و فقدان مدیریت مبتنی بر ظرفیت واقعی آبخوان‌ها، موجب شده است که بسیاری از دشت‌های کشور وارد وضعیت «ممنوعه» یا «بحرانی» شوند (رادمهر، ۱۴۰۳: ۳۲۹-۳۲۸).

کاهش مستمر سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش شدت و گستره فرونشست زمین، شور شدن آبخوان‌ها و ازدست‌رفتن کیفیت منابع زیرسطحی، تنها بخشی از پیامدهای این روند طولانی‌مدت است. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که نظام مدیریت آب قادر نبوده میان بهره‌برداری روزمره و حفاظت از ذخایر راهبردی آب تعادلی پایدار برقرار کند. در بسیاری از مناطق، سرعت برداشت از آبخوان‌ها چند برابر سرعت تغذیه طبیعی آن‌هاست و همین ناهماهنگی منجر به تخریب ساختاری آبخوان‌ها و ازدست‌رفتن ظرفیت ذخیره‌سازی طبیعی شده است (کمالی و کامیابی، ۱۴۰۴: ۸۳-۸۱).

از منظر امنیت ملی، تخلیه و فرسایش سفره‌های زیرزمینی یک تهدید خاموش اما بنیادین است؛ تهدیدی که با گذشت زمان شدت می‌یابد و امکان بازگشت آن بسیار محدود یا در برخی موارد غیرممکن است. کاهش ذخایر راهبردی زیرزمینی، توان کشور را برای تأمین آب پایدار نسل‌های آینده به شدت کاهش می‌دهد و وابستگی به منابع پرریسک و متغیری همچون بارش‌های سالانه، تغییرات اقلیمی و طرح‌های انتقال آب را افزایش می‌دهد. این وابستگی، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری امنیتی کشور را در برابر بحران‌های آبی کاهش می‌دهد.

همچنین، در سطح ملی، تخلیه آبخوان‌ها می‌تواند ظرفیت زیستی و جمعیتی مناطق را تضعیف کند، روند مهاجرت‌های ناخواسته را افزایش دهد و در بلندمدت موجب تغییر الگوی سکونت، فعالیت اقتصادی و حتی بافت اجتماعی شود. این جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌های اجباری، نوعی «فشار امنیتی تجمعی» ایجاد می‌کنند که نیازمند مدیریت هزینه‌بر، برنامه‌ریزی پیچیده و استفاده مداوم از منابع سیاسی و اجرایی دولت است.

از منظر امنیت داخلی نیز فروپاشی تدریجی آبخوان‌ها می‌تواند به بروز نارضایتی‌های محلی، تعارضات اجتماعی و تنش میان مصرف‌کنندگان آب در حوزه‌های کشاورزی، شهری و صنعتی منجر شود. در مناطقی که فرونشست زمین زیرساخت‌های حیاتی مانند راه‌ها، خطوط انتقال انرژی یا تأسیسات شهری را تهدید می‌کند، احتمال بروز بحران‌های ثانویه نیز وجود دارد؛ بحران‌هایی که می‌توانند در کوتاه‌مدت کارکردهای اقتصادی و خدماتی را مختل کرده و در بلندمدت بر احساس امنیت شهروندان تأثیر بگذارند.

در نهایت آنکه در بعد ژئوپلیتیکی امنیت ملی نیز، کاهش ذخایر زیرزمینی کشور را در مواجهه با تغییرات اقلیمی، کمبودهای دوره‌ای و فشارهای محیطی آسیب‌پذیرتر کرده و ظرفیت مانور راهبردی در مدیریت تنش‌های آبی منطقه‌ای را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، تخلیه آبخوان‌ها نه تنها یک چالش زیست‌محیطی یا اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی فرسایش زیرساخت‌های راهبردی امنیت ملی است؛ زیرساخت‌هایی که در صورت تداوم وضعیت کنونی، با تهدیدهای جدی‌تری مواجه خواهند شد.

۳-۴. ضعف مدیریت یکپارچه و ناهماهنگی بین‌بخشی

یکی از محوری‌ترین چالش‌ها در نظام مدیریت آب ایران، فقدان هماهنگی ساختاری و عملیاتی میان بخش‌های مختلف تصمیم‌گیر است. در وضعیتی که مدیریت منابع آب نیازمند یک رویکرد کل‌نگر است، هریک از بخش‌ها از جمله کشاورزی، صنعت، محیط زیست، انرژی و حتی نهادهای عمرانی بر اساس منافع، اهداف و الزامات بخشی خود عمل می‌کنند. نبود یک سازوکار الزام‌آور برای هم‌سوسازی تصمیمات، موجب شده سیاست‌هایی شکل گیرد که گاه نه تنها مکمل یکدیگر نیستند، بلکه در تضاد آشکار قرار دارند و ظرفیت منابع آبی را به شدت تحت فشار قرار می‌دهند. این ناهماهنگی نهادی، یکی از عوامل اصلی بروز سیاست‌های متناقض، ناکارآمد و ناپایدار در حوزه آب است (حسینی، ۱۴۰۳: ۸۹-۸۸).

به دلیل همین چندپارگی، برنامه‌ریزی آبی اغلب بر مبنای نیازهای فوری و بخشی صورت می‌گیرد و نه براساس قواعد بلندمدت پایداری منابع. برای مثال، بخش کشاورزی عمدتاً به دنبال توسعه سطح زیر کشت و افزایش تولید است، درحالی‌که بخش محیط زیست بر ضرورت حفظ جریان‌های زیست‌محیطی تأکید دارد یا بخش انرژی در پی ایجاد سدها برای تولید برق است، پیامدهای آن‌ها برای پایین دست و تالاب‌ها کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. نبود هماهنگی، فرآیند تصمیم‌گیری را از یک جریان منطقی و یکپارچه خارج کرده و آن را به میدان چانه‌زنی میان دستگاه‌ها تبدیل کرده است (دهشیری و حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۰۷-۶۰۶). چنین شرایطی سبب می‌شود که هیچ چشم‌انداز ملی و فرابخشی بر مدیریت منابع آبی حاکم نباشد. سیاست‌ها به جای اینکه در راستای حفظ امنیت آبی و ملی طراحی شوند، به مجموعه‌ای از اقدامات مقطعی و پراکنده تبدیل می‌گردند که اغلب پیامدهای بلندمدت و ناخواسته دارند. این وضعیت در نهایت ساختار حکمرانی آب را در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیر کرده و ظرفیت پاسخ‌گویی آن را محدود می‌سازد (گودرزی، ۱۴۰۳: ۴۷-۴۵).

از دیدگاه نظریه مدیریت یکپارچه منابع آب هماهنگ‌سازی میان بخش‌ها یکی از ضروری‌ترین پیش‌شرط‌های امنیت آبی است؛ زیرا منابع آب طبیعی یکپارچه دارند و هرگونه تصمیم بخشی، اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر سایر بخش‌ها برجای می‌گذارد. فقدان این هماهنگی در ایران به معنی نبود «چشم‌انداز کلان امنیتی» در مدیریت آب است؛ چشم‌اندازی که باید تضمین‌کننده پایداری منابع حیاتی، ثبات اجتماعی و کارکردهای اقتصادی کشور باشد.

از طرفی، از منظر امنیتی، ناهماهنگی میان بخش‌ها دست‌کم سه پیامد اساسی دارد:

۱. تهدید امنیت منابع حیاتی: وقتی هر بخش براساس منافع خود تصمیم می‌گیرد، بار بهره‌برداری از منابع آبی به شکلی بی‌محابا افزایش می‌یابد. به‌عنوان نمونه، توسعه کشت‌های آب‌بر یا افزایش بهره‌برداری صنعتی بدون ارزیابی اثرات آن بر آبخوان‌ها در

کوتاه‌مدت ممکن است سودآور باشد، اما در بلندمدت به کاهش ذخایر استراتژیک کشور در برابر خشکسالی، تغییرات اقلیمی و تنش‌های منطقه‌ای منجر می‌شود. این روند، امنیت ملی را از زاویه کاهش منابع حیاتی تهدید می‌کند.

۲. افزایش تعارضات و تنش‌های داخلی: ناهماهنگی بین‌بخشی می‌تواند به بروز اختلاف میان استان‌ها، بخش‌ها و ذی‌نفعان مختلف منجر شود. هنگامی که از یک سیاست‌های کشاورزی به سمت افزایش برداشت از منابع آب زیرزمینی حرکت می‌کنند و از سوی دیگر بخش محیط زیست یا وزارت نیرو بر محدودیت برداشت تأکید دارد، زمینه شکل‌گیری تعارض‌های اجتماعی و نهادی به وجود می‌آید. این تعارض‌ها در مناطق دچار کمبود آب می‌توانند پیامدهای امنیت داخلی ایجاد کنند و نیاز به مداخله مستمر نهادهای حکومتی را افزایش دهند.

۳. تضعیف توان حکمرانی و کاهش مشروعیت تصمیمات: وقتی سیاست‌ها یکپارچه نباشند، نتایج آن‌ها برای جامعه قابل فهم و قابل پیش‌بینی نیست. برای مثال، هم‌زمانی سیاست‌های توسعه کشاورزی آب‌بر با اعمال محدودیت‌های شدید مصرف آب در برخی مناطق، می‌تواند موجب بی‌اعتمادی، نارضایتی و بدبینی نسبت به نظام مدیریتی شود. این امر یک تهدید امنیتی نرم ایجاد می‌کند که مشروعیت تصمیم‌گیری را کاهش داده و توان دولت برای اعمال سیاست‌های اصلاحی را محدود می‌سازد.

به‌طور کلی بایستی اذعان داشت در غیاب یک سازوکار هماهنگی قدرتمند میان بخش‌های مختلف، سیاست‌گذاری آب در ایران بیش از آنکه به یک فرآیند ملی و هدفمند تبدیل شود، به مجموعه‌ای از اقدامات جزیره‌ای و گاه متناقض تبدیل شده است. پیامدهای امنیتی این شرایط بسیار گسترده است: از کاهش ذخایر استراتژیک آب و افزایش آسیب‌پذیری اکولوژیک گرفته تا تشدید تعارضات اجتماعی و تضعیف کارآمدی حاکمیت. به همین دلیل، ناهماهنگی بین‌بخشی نه صرفاً یک مسأله مدیریتی،

بلکه یک تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود؛ تهدیدی که اگر برطرف نشود، بنیان‌های تاب‌آوری کشور را در مواجهه با بحران‌های آتی تضعیف خواهد کرد.

۴-۴. پیامدهای امنیتی سیاست‌گذاری منابع آب در ایران

واقعیت این است که سیاست‌گذاری ناکارآمد منابع آب در ایران طی دو دهه اخیر پیامدهای امنیتی گسترده‌ای ایجاد کرده است. این پیامدها را می‌توان در چند محور اصلی تحلیل کرد:

۴-۴-۱. تهدید امنیت سیاسی و تضعیف مشروعیت حکمرانی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای امنیتی بحران آب، تأثیر آن بر امنیت سیاسی کشور است. کمبود آب و ناکامی سیاست‌ها در مدیریت بحران، سطح نارضایتی عمومی را افزایش می‌دهد و موجب شکل‌گیری شکاف میان مردم و نهادهای مسئول می‌شود. بحران‌های محلی مرتبط با آب اغلب به‌سرعت جنبه سیاسی پیدا می‌کنند؛ زیرا مردم آب را حق طبیعی خود می‌دانند و کمبود آن را نتیجه سوءمدیریت تلقی می‌کنند (دمیرچیلو، ۱۴۰۳: ۱۹۲-۱۹۱).

از منظر نظریه امنیت سیاسی، استمرار بحران آب می‌تواند به تضعیف «مشروعیت عملکردی» دولت منجر شود؛ یعنی اعتماد عمومی به کارآمدی نظام حکمرانی کاهش می‌یابد. در برخی مناطق، تنش‌های آبی منجر به اعتراضاتی شده که زمینه تقویت بی‌ثباتی سیاسی را ایجاد کرده‌اند. بحران آب همچنین توان دستگاه‌های اجرایی را برای مدیریت سایر حوزه‌های حساس کاهش می‌دهد؛ زیرا منابع مالی و مدیریتی مجبور به تمرکز بر کنترل بحران و پیامدهای آن می‌شوند. مجموع این عوامل، امنیت داخلی و انسجام سیاسی کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۴-۲-۴. افزایش تنش‌های منطقه‌ای و محلی و تهدید امنیت داخلی

بحران آب در ایران موجب افزایش تعارضات محلی و منطقه‌ای شده است. تنش میان استان‌ها، شهرها و حتی روستاها بر سر حق آب، یکی از پیامدهای جدی ناهماهنگی سیاستی است. در برخی موارد، این تعارض‌ها از سطح اجتماعی فراتر رفته و شکل امنیتی به خود گرفته است (معصومی، ۱۴۰۱: ۱۷). تعارض‌های آبی می‌توانند به شکل‌گیری «درگیری‌های کم‌شدت» منجر شوند که مدیریت آن‌ها هزینه‌بر و پیچیده است. بحران آب ظرفیت ایجاد منازعات قومیتی، مرزی یا منطقه‌ای را نیز دارد؛ زیرا برخی مناطق کشور به دلیل اتکای شدید به منابع محدود آب، آسیب‌پذیری بیشتری تجربه می‌کنند. این گروه از تنش‌ها می‌تواند به سرعت به چالشی برای امنیت داخلی تبدیل شود، به‌ویژه در شرایطی که شکاف‌های هویتی یا اقتصادی پیش‌زمینه آن‌ها وجود دارد. این وضعیت در بلندمدت ساختار وحدت ملی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴-۳-۴. کاهش تاب‌آوری امنیتی و افزایش آسیب‌پذیری ملی

ناپایداری منابع آب عملاً تاب‌آوری امنیتی کشور را کاهش داده است. تاب‌آوری امنیتی به توان یک کشور برای مواجهه با شوک‌ها و تهدیدات اشاره دارد. هنگامی که منابع حیاتی مانند آب در سطح بحرانی قرار می‌گیرند، ظرفیت کشور برای مدیریت سایر تهدیدات داخلی یا خارجی کاهش می‌یابد. به بیانی دیگر، کم‌آبی مداوم، انعطاف‌پذیری نظام امنیتی را محدود کرده و به افزایش آسیب‌پذیری راهبردی در برابر تهدیدات طبیعی (خشکسالی شدید)، تهدیدات فراملی (تغییرات اقلیمی، کاهش ورودی آب‌های مرزی) و تهدیدات داخلی (فارضایتی‌ها، شورش‌های محلی) می‌انجامد (اشتریان، ۱۴۰۴: ۱۸-۱۹). بحران آب همچنین منابع مالی و انسانی را از سایر حوزه‌های امنیتی منحرف می‌کند و عملاً باعث تمرکز بیش از حد ساختار امنیتی بر مدیریت پیامدهای آن می‌شود. این مسأله در بلندمدت موجب فرسایش توان راهبردی و کاهش آمادگی ملی در مواجهه با بحران‌های چندبعدی خواهد شد.

۴-۴-۴. تأثیر بر امنیت ژئوپلیتیکی و کاهش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای

یکی از پیامدهای مهم بحران آب در ایران، کاهش قدرت چانه‌زنی ژئوپلیتیکی است. هنگامی که منابع داخلی تحت فشار قرار می‌گیرند، توان کشور برای ورود فعالانه به مذاکرات یا مدیریت مؤثر حوضه‌های مشترک کاهش می‌یابد. از منظر نظریه هیدروپلیتیک، کشوری که از نظر داخلی با بحران آب مواجه است، در تعامل با همسایگان نیز در موقعیت ضعف قرار می‌گیرد. این وضعیت نه تنها قدرت تأثیرگذاری را بر معادلات منطقه‌ای محدود می‌کند، بلکه ممکن است به وابستگی به سیاست‌های طرف مقابل نیز منجر شود. همچنین، کاهش آب‌های ورودی مرزی و ناتوانی در مدیریت مناسب منابع داخلی می‌تواند پیچیدگی روابط منطقه‌ای را افزایش دهد و مسائل آبی را به منبعی برای فشار ژئوپلیتیک تبدیل کند (ذکی و یوسفی، ۱۴۰۳: ۴۴-۴۱).

۴-۴-۵. تهدید امنیت انسانی و افزایش شکنندگی اجتماعی با پیامدهای امنیتی

اگرچه ابعاد اجتماعی به‌طور مستقل بررسی نشده‌اند، اما پیامدهای آن بر امنیت ملی قابل چشم‌پوشی نیست. بحران آب به شکل مستقیم امنیت انسانی را تهدید می‌کند و این تهدیدات، پیامدهای امنیتی گسترده‌ای به همراه دارند. در واقع، فقدان آب کافی برای شرب یا خدمات اساسی مانند بهداشت، آرامش جامعه را مختل می‌کند و می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. در مناطقی که آب کمیاب‌تر است، احتمال شکل‌گیری شبکه‌های غیررسمی و حتی غیرقانونی برای مدیریت یا توزیع آب وجود دارد که این خود یک تهدید امنیتی بالقوه است. در سطح کلان، تهدید امنیت انسانی می‌تواند به ایجاد «تنش مزمن» در جامعه منجر شود که بستر بسیاری از بحران‌های امنیتی آینده را تشکیل می‌دهد (صانعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹۷-۹۵).

۵. سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی با تأکید بر ترکیه

ترکیه طی چند دهه اخیر توانسته با بهره‌گیری از رویکردی منسجم، استراتژیک و بلندمدت، مدیریت منابع آب را به‌عنوان یک ابزار توسعه و امنیت ملی به کار گیرد. این کشور به جای اقدام بخشی و پراکنده، از ساختار نهادی یکپارچه، هماهنگی میان‌بخشی و برنامه‌ریزی مبتنی بر ظرفیت واقعی منابع بهره‌مند شده است. مدیریت منابع آب در ترکیه نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای داخلی بوده، بلکه ابزار مهمی در مذاکرات ژئوپلیتیکی و مدیریت حوضه‌های فرامرزی محسوب می‌شود (گوزی و اونوز^۱، ۲۰۲۴: ۱۵۹-۱۵۸). این بخش با تمرکز بر ساختار نهادی، مدیریت حوضه‌های فرامرزی و حکمرانی یکپارچه، وضعیت سیاست‌گذاری آب و پیامدهای امنیتی آن را بررسی می‌کند.

۵-۱. ساختار نهادی یکپارچه و هماهنگ

ترکیه دارای یک نظام نهادی منسجم برای مدیریت منابع آب است که نقش‌ها و اختیارات هر سازمان به‌وضوح تعریف شده است. وزارتخانه‌ها، سازمان‌های تخصصی، آژانس‌های نظارتی و شرکت‌های وابسته همگی در یک چارچوب قانونی مشخص فعالیت می‌کنند. برخلاف بسیاری از کشورها که مدیریت آب در آن‌ها پراکنده است، در ترکیه مرکز فرمان‌دهی واحد برای هماهنگی و تصمیم‌گیری وجود دارد و مکانیسم‌های الزام‌آور برای هم‌سوسازی فعالیت‌های بخش‌های مختلف به‌صورت مستمر اجرا می‌شوند (سahan^۲، ۲۰۲۴: ۹۲-۹۱).

وجود این هماهنگی نهادی باعث افزایش کارآمدی سیاست‌ها و کاهش تضاد میان بخش‌ها شده است. از منظر نظریه حکمرانی چندسطحی، مرکز فرمان‌دهی واحد و ساختار هماهنگ، توان کشور را برای مدیریت بحران‌های آب افزایش داده و پاسخ‌گویی به شرایط اضطراری را تسریع می‌کند. این سیستم همچنین امکان برنامه‌ریزی بلندمدت

¹ Guzey & Onoz

² Sahan

و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر داده و شواهد علمی را فراهم می‌آورد و از بروز تصمیمات بخشی یا مقطعی که می‌تواند امنیت ملی را تهدید کند، جلوگیری می‌کند. همچنین، شفافیت و تعریف دقیق مسؤولیت‌ها، موجب کاهش اختلافات نهادی و افزایش همکاری میان سازمان‌ها شده است. به‌عنوان مثال، وزارت نیرو، وزارت محیط‌زیست و منابع طبیعی و آژانس‌های مدیریت منابع آبی در چارچوب جلسات هماهنگی منظم، اهداف و پروژه‌های مشترک را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند. این رویکرد، اجرای پروژه‌های بزرگ مانند سدها، شبکه‌های انتقال آب و پروژه‌های آب شرب شهری را روان‌تر و مؤثرتر کرده است. از منظر امنیت ملی، ساختار نهادی منسجم، توان دولت را در مواجهه با بحران‌ها و شوک‌های ناشی از خشکسالی، تغییرات اقلیمی یا فشارهای منطقه‌ای افزایش می‌دهد. علاوه‌براین، توانایی مدیریت منابع حیاتی باعث می‌شود ترکیه در مواجهه با چالش‌های داخلی و تنش‌های محلی، عکس‌العمل سریع و هماهنگ داشته باشد که این خود یک مزیت امنیتی راهبردی محسوب می‌شود.

۲-۵. مدیریت استراتژیک حوضه‌های فرامرزی

ترکیه در مدیریت حوضه‌های فرامرزی رویکردی استراتژیک و بلندمدت دارد. این کشور با طراحی و اجرای پروژه‌های بزرگ سدسازی، نیروگاه‌های برق‌آبی و شبکه‌های انتقال آب، منابع آبی خود را نه‌تنها برای تأمین نیاز داخلی، بلکه به‌عنوان ابزاری ژئوپلیتیکی مدیریت می‌کند. تمرکز بر حوضه‌های مشترک با همسایگان باعث شده ترکیه بتواند جریان آب، توزیع منابع و برنامه‌ریزی آبی را تحت کنترل خود داشته باشد (گرون و دورینگ^۱، ۲۰۲۴: ۱۱-۱۰).

این رویکرد استراتژیک موجب افزایش قدرت چانه‌زنی ترکیه در مذاکرات منطقه‌ای و مدیریت اختلافات میان کشورهای حوضه مشترک شده است. کنترل جریان‌های آبی

¹ Grun & Doring

فرامرزی به کاهش ریسک تعارضات و افزایش ثبات منطقه‌ای کمک می‌کند و تاب‌آوری ملی ترکیه را در مواجهه با فشارهای محیطی و سیاسی تقویت می‌کند. از منظر امنیت ملی، این سیاست‌ها موجب ایجاد ثبات در مناطق مرزی و کاهش احتمال بروز تنش‌های بین‌المللی می‌شوند. علاوه بر این، ترکیه از ابزارهای فنی و مدیریتی پیشرفته برای پایش منابع آب استفاده می‌کند و با ارزیابی مستمر ظرفیت منابع و میزان برداشت، سیاست‌ها را تعدیل می‌کند. این اقدام موجب کاهش احتمال بحران‌های ناگهانی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری در سطح ملی می‌شود. توانایی مدیریت هوشمندانه حوضه‌های فرامرزی همچنین ترکیه را در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای و نوسانات سیاسی همسایگان مقاوم کرده و امکان واکنش سریع به تهدیدات خارجی را فراهم می‌آورد.

۳-۵. هماهنگی و حکمرانی یکپارچه

یکی از اصول کلیدی مدیریت آب در ترکیه، هماهنگی میان‌بخشی و حکمرانی یکپارچه است. کشور از اصول مدیریت یکپارچه منابع آب استفاده می‌کند؛ به طوری که سیاست‌ها میان بخش‌های کشاورزی، صنعتی، انرژی و محیط زیست هم‌سو و مبتنی بر ظرفیت واقعی منابع اجرا می‌شوند. مشارکت ذی‌نفعان، بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن پایش و تحلیل داده‌ها، و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد، پایه‌های اصلی این رویکرد هستند (متوالی^۱، ۲۰۲۴: ۳۵۳-۳۵۲).

هماهنگی میان‌بخشی در ترکیه باعث شده که سیاست‌ها از خطر تضاد یا تصمیمات متناقض حفظ شوند و اثرات بلندمدت آن‌ها قابل پیش‌بینی باشد. این رویکرد توان کشور را برای مقابله با بحران‌های داخلی و منطقه‌ای افزایش می‌دهد و از تشدید تعارضات محلی جلوگیری می‌کند. سیاست‌های هماهنگ، تاب‌آوری اجتماعی و ثبات داخلی را ارتقا داده و موجب کاهش فشار بر نهادهای امنیتی می‌شوند. از منظر امنیتی،

¹ Metwally

حکمرانی یکپارچه امکان شناسایی زود هنگام تهدیدات و برنامه‌ریزی واکنش‌های پیشگیرانه را فراهم می‌کند. این امر موجب کاهش هزینه‌های مدیریتی و افزایش ظرفیت کشور در مقابله با بحران‌ها می‌شود. علاوه بر این، امنیت منابع حیاتی مانند آب، پایه و اساس قدرت ژئوپلیتیکی و چانه‌زنی منطقه‌ای ترکیه را مستحکم می‌کند.

۴-۵. پیامدهای امنیتی سیاست‌گذاری آب در ترکیه

۴-۵-۱. تقویت امنیت سیاسی و مشروعیت حکمرانی

سیاست‌های هماهنگ و بلندمدت باعث افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت تصمیمات دولتی شده است. توزیع عادلانه منابع و پیش‌بینی‌پذیری اقدامات، نارضایتی اجتماعی را کاهش داده و توان دولت برای مدیریت بحران‌ها را ارتقا می‌دهد (تورگول^۱، ۲۰۲۴: ۶). این موضوع امنیت سیاسی را مستحکم کرده و موجب کاهش احتمال شکل‌گیری اعتراضات و ناآرامی‌ها می‌شود.

۴-۵-۲. کاهش تنش‌های داخلی و محلی

مدیریت یکپارچه منابع آب و هماهنگی میان‌بخشی، اختلافات میان استان‌ها، بخش‌ها و ذی‌نفعان محلی را کاهش می‌دهد. این امر تاب‌آوری اجتماعی و ثبات داخلی را افزایش می‌دهد و از تبدیل اختلافات بخشی به بحران امنیتی جلوگیری می‌کند. مناطق کم‌آب کم‌تر دچار تنش و نارضایتی شده و فرآیندهای مدیریت منابع روان‌تر اجرا می‌شوند.

۴-۵-۳. ارتقاء امنیت ژئوپلیتیکی

کنترل منابع آبی فرامرزی و مدیریت استراتژیک حوضه‌های مشترک، ترکیه را در موقعیت قدرت منطقه‌ای قرار داده است. این کشور توان بیشتری در مذاکرات و چانه‌زنی با همسایگان پیدا کرده و در مواجهه با فشارهای خارجی و تغییرات اقلیمی

¹ Turgul

مقاوم‌تر شده است. توانایی مدیریت هوشمندانه منابع مشترک، یک مزیت امنیت ملی و ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود.

۴-۴-۵. تقویت امنیت انسانی و ملی

سیاست‌های کارآمد آب، دسترسی پایدار جمعیت به منابع حیاتی را تضمین می‌کند و از تهدیدهای ناشی از کمبود آب یا مهاجرت‌های اجباری جلوگیری می‌کند (زواری^۱، ۲۰۲۵: ۵۷). کاهش مخاطرات انسانی به‌طور مستقیم پیامدهای امنیت ملی را مستحکم کرده و تاب‌آوری جامعه را در برابر بحران‌های محیطی و اجتماعی افزایش می‌دهد.

۵-۴-۵. افزایش تاب‌آوری ملی و آمادگی در برابر بحران‌ها

حکمرانی یکپارچه و مدیریت هوشمند منابع آب، ظرفیت کشور را برای مقابله با خشکسالی‌های شدید، نوسانات اقلیمی و فشارهای سیاسی افزایش می‌دهد (ویلیامز^۲، ۲۰۲۴: ۵۴). این تاب‌آوری به معنای توانایی پاسخ سریع و هماهنگ به بحران‌ها، کاهش آسیب‌پذیری مناطق حساس و حفظ ثبات ملی است.

۶. سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی؛ مطالعه تطبیقی ایران و ترکیه

تحلیل تطبیقی سیاست‌گذاری آب میان ایران و ترکیه نشان می‌دهد که تفاوت در ساختار حکمرانی و شیوه مدیریت منابع، پیامدهای امنیتی کاملاً متمایزی برای دو کشور به همراه داشته است. ایران به دلیل پراکندگی نهادی، برداشت‌های کنترل‌نشده از منابع زیرزمینی و ضعف هماهنگی میان‌بخشی با افزایش آسیب‌پذیری امنیتی و کاهش تاب‌آوری ملی مواجه است؛ در مقابل، ترکیه با ساختار نهادی منسجم، مدیریت استراتژیک حوضه‌های فرامرزی و سیاست‌های هماهنگ توانسته جایگاه ژئوپلیتیکی و

¹ Zawahri

² Williams

تاب‌آوری خود را تقویت کند. این مقایسه نشان می‌دهد که انسجام نهادی، سیاست‌گذاری یکپارچه و برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه آب نقشی کلیدی در ارتقاء امنیت ملی دارند و می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای اصلاح حکمرانی آب در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۶. ساختار نهادی و مدیریت هماهنگ

جدول ۱. بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی در ایران و ترکیه با

تأکید بر ساختار نهادی و مدیریت هماهنگ

محور	ایران	ترکیه	توضیح
ساختار نهادی	پراکندگی وظایف، تداخل نقش‌ها، نبود مرکز فرمان-دهی واحد	ساختار نهادی یکپارچه، اختیارات شفاف، مرکز فرمان‌دهی واحد	ایران فاقد هماهنگی نهادی است؛ تصمیمات بخشی و متناقض باعث کاهش کارآمدی و افزایش تهدید امنیت ملی می‌شود. ترکیه با ساختار منسجم، توان پاسخ‌گویی سریع و پیشگیری از بحران‌ها را دارد.
هماهنگی میان‌بخشی	محدود یا غایب	کامل و مستمر	ناهماهنگی در ایران، تعارضات داخلی و کاهش مشروعیت را افزایش می‌دهد. هماهنگی در ترکیه موجب کاهش تنش‌های داخلی و افزایش اعتماد عمومی است.
برنامه‌ریزی بلندمدت	کم‌تر، غالباً مقطعی و بخشی	بلندمدت، استراتژیک و مبتنی بر داده	برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت در ایران به کاهش تاب‌آوری امنیتی و افزایش آسیب‌پذیری منجر می‌شود. در

ترکیه، برنامه‌ریزی بلندمدت تاب‌آوری را افزایش می‌دهد.			
--	--	--	--

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج تحلیلی جدول ۱ نشان می‌دهد که تفاوت بنیادی در ساختار نهادی و شیوه حکمرانی آب میان ایران و ترکیه، تأثیر مستقیم بر امنیت ملی دو کشور دارد. ترکیه با برخورداری از ساختار نهادی یکپارچه، هماهنگی میان‌بخشی و برنامه‌ریزی بلندمدت توانسته کارآمدی مدیریتی، اعتماد عمومی و تاب‌آوری امنیتی خود را تقویت کند. در مقابل، پراکندگی نهادی، تصمیمات بخشی و کوتاه‌مدت در ایران موجب کاهش کارآمدی، افزایش تعارضات داخلی و تضعیف توان پاسخ‌گویی دولت شده است. این مقایسه نشان می‌دهد که انسجام نهادی و سیاست‌گذاری بلندمدت در حوزه آب نه تنها برای مدیریت منابع بلکه برای تقویت امنیت ملی نیز ضروری است.

۶-۲. مدیریت حوضه‌های فرامرزی

جدول ۲. بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی در ایران و ترکیه با

تأکید بر مدیریت حوضه‌های فرامرزی

محتور	ایران	ترکیه	توضیح
مدیریت منابع فرامرزی	محدود، غالباً واکنشی و با چالش‌های حقوقی	استراتژیک، کنترل جریان‌ها، بهره‌برداری هوشمند	ایران با کمبود مدیریت حوضه‌های مشترک، در موقعیت ضعف ژئوپلیتیکی قرار دارد. ترکیه با مدیریت استراتژیک، قدرت چانه‌زنی و تاب‌آوری

منطقه‌ای خود را افزایش داده است.			
ابزارهای ترکیه ضمن تأمین نیاز داخلی، به کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک می‌کند.	سدها، نیروگاه‌های برق آبی، شبکه‌های انتقال	کم‌تر، محدود به مذاکرات دیپلماتیک	ابزارهای کنترل
نبود پایش در ایران، ریسک بروز بحران‌های ناگهانی را افزایش می‌دهد. ترکیه با پایش دقیق، واکنش سریع و مدیریت بهینه را تضمین می‌کند.	مستمر و هوشمند	ناقص، پراکنده	پایش و ارزیابی منابع

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مدیریت استراتژیک حوضه‌های فرامرزی در ترکیه قدرت چانه‌زنی ژئوپلیتیکی و تاب‌آوری منطقه‌ای را افزایش داده، درحالی‌که رویکرد واکنشی و محدود ایران را در موقعیت ضعف قرار می‌دهد. ابزارهای کنترلی ترکیه (سدها، نیروگاه‌ها و شبکه‌های انتقال) ضمن تأمین نیاز داخلی، کارکرد کاهنده‌ای در تنش‌های منطقه‌ای دارند؛ عدم توسعه چنین ابزارهایی در ایران به اتکای صرف بر مذاکرات دیپلماتیک منجر شده است. فقدان پایش دقیق در ایران ریسک بحران‌های ناگهانی و تأخیر در واکنش را بالا می‌برد، درحالی‌که پایش مستمر در ترکیه مدیریت بهینه و پاسخ سریع را ممکن ساخته است. بنابراین، تقویت مدیریت استراتژیک حوضه‌ها، توسعه زیرساخت‌های کنترلی و سرمایه‌گذاری در سامانه‌های پایش برای ایران اولیتی راهبردی است تا ضعف ژئوپلیتیکی و آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها کاهش یابد.

۳-۶. هماهنگی و حکمرانی یکپارچه

جدول ۳. بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری منابع آبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی در ایران و ترکیه با

تأکید بر هماهنگی و حکمرانی یکپارچه

محتور	ایران	ترکیه	توضیح
هماهنگی میان‌بخشی	ضعیف، سیاست‌های بخشی متناقض	قوی، سیاست‌ها هم‌سو و مبتنی بر داده	ناهماهنگی ایران باعث اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت و آسیب‌رسان به امنیت ملی است. هماهنگی در ترکیه تاب‌آوری اجتماعی و مدیریت بحران را تقویت می‌کند.
استفاده از فناوری و داده	محدود	پیشرفته، پیش و تحلیل مستمر	نبود فناوری و داده‌های دقیق در ایران، پیش‌بینی‌پذیری بحران‌ها را کاهش داده است. ترکیه با فناوری، مدیریت منابع را بهینه می‌کند.
مشارکت ذی‌نفعان	کم یا ناقص	فعال و نظام‌مند	مشارکت ذی‌نفعان در ترکیه، سیاست‌ها را جامع‌تر و پایدارتر کرده و امنیت ملی را تقویت می‌کند.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس جدول ۳ بایستی اذعان داشت که حکمرانی آب در ترکیه به دلیل هماهنگی میان‌بخشی، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و مشارکت فعال ذی‌نفعان، توانسته سیاست‌گذاری منسجم‌تری ایجاد کند و تاب‌آوری ملی را افزایش دهد. در مقابل، ایران به دلیل نبود هماهنگی نهادی، محدودیت در داده و فناوری و مشارکت ناکافی ذی‌نفعان با تصمیم‌گیری‌های مقطعی و شکننده مواجه است که پیامد آن کاهش توان پیش‌بینی

بحران‌ها و افزایش آسیب‌پذیری امنیت ملی است. به‌طور کلی، جدول نشان می‌دهد که انسجام نهادی و حکمرانی داده‌محور، نقش اساسی در شکل‌دهی سیاست‌های پایدار و تقویت امنیت دارند و می‌تواند الگویی برای اصلاح ساختار مدیریت آب در ایران باشد. در یک جمع‌بندی کلی بایستی اذعان داشت ایران به دلیل ناهماهنگی نهادی، سیاست‌های متناقض و ضعف در مدیریت حوضه‌های فرامرزی با چالش‌های جدی در امنیت سیاسی، داخلی، ژئوپلیتیکی و تاب‌آوری ملی مواجه است. در مقابل، ترکیه با بهره‌گیری از حکمرانی یکپارچه، هماهنگی میان‌بخشی و مدیریت استراتژیک منابع آب توانسته مشروعیت سیاسی، تاب‌آوری اجتماعی و قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای خود را تقویت کند. این تفاوت‌های ساختاری نشان می‌دهد که کیفیت سیاست‌گذاری آب، تأثیری مستقیم و چندبعدی بر امنیت ملی دارد و می‌تواند جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها را تغییر دهد. به‌طور کلی، مقایسه ایران و ترکیه نشان می‌دهد که انسجام نهادی و برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه آب، نقشی اساسی در تثبیت امنیت ملی دارند. ترکیه با اتخاذ سیاست‌های هماهنگ و داده‌محور، موفق شده است هم تاب‌آوری داخلی و هم نفوذ ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهد. در مقابل، پراکندگی نهادی و مدیریت واکنشی در ایران موجب کاهش مشروعیت سیاسی، افزایش تنش‌های داخلی و تضعیف موقعیت منطقه‌ای شده است. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که اصلاح ساختار حکمرانی آب و تقویت هماهنگی میان‌بخشی، پیش‌شرط ارتقاء امنیت ملی ایران است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

هدف نویسندگان در پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری منابع آب در ایران و ترکیه و پاسخ به این سؤال بوده است که: «چه تفاوت‌های نهادی، مدیریتی و ژئوپلیتیکی در حکمرانی آب این دو کشور وجود دارد و این تفاوت‌ها چگونه بر امنیت ملی آن‌ها اثر می‌گذارد؟» نتایج نشان داد که امنیت ملی در حوزه آب، بیش از آنکه به

میزان منابع در دسترس وابسته باشد، به کیفیت حکمرانی و توانایی مدیریت یکپارچه، پیش‌نگر و هماهنگ وابسته است. مقایسه دو کشور نشان می‌دهد که ترکیه با ایجاد یک ساختار متمرکز و استراتژیک، توانسته مدیریت آب را از سطح یک موضوع فنی به سطح یک ابزار ژئوپلیتیکی و امنیتی ارتقا دهد. در مقابل، ایران با وجود چالش‌های اقلیمی مشابه، به علت پراکندگی نهادی، سیاست‌گذاری بخشی و ضعف در پایش و داده‌محوری، با تهدیدهای پیچیده و بلندمدتی مواجه شده که پیامدهای آن فراتر از حوزه محیط زیست بوده و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین نتایج تحلیلی پژوهش حاضر تأکید دبر این موضوع مهم بوده است که حکمرانی آب ناکارآمد می‌تواند حتی در شرایط برخورداری از منابع نسبی، موجب کاهش مشروعیت حاکمیت، تشدید نارضایتی اجتماعی، افزایش تعارضات محلی و کاهش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای شود. این امر نشان می‌دهد که امنیت ملی نه در میزان آب، بلکه در کیفیت مدیریت آن ریشه دارد. نگاه ترکیه به آب به‌عنوان یک «سرمایه ژئوپلیتیکی» و نه صرفاً «منبع مصرفی»، موجب شده که این کشور از طریق مدیریت هوشمند حوضه‌های فرامرزی، زیرساخت‌های راهبردی و سیاست‌های بلندمدت، ظرفیت بازدارندگی و تاب‌آوری ملی خود را ارتقا دهد. در سوی دیگر، ایران به علت عدم وجود هماهنگی میان‌بخشی و نبود نظام پایش منسجم، با تهدیدهای نرم ولی پایدار مواجه است؛ تهدیدهایی مانند تضعیف مناطق پیرامونی، افزایش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، فشار بر نهادهای امنیتی و تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای. این چالش‌ها نشان می‌دهد که مدیریت آب در ایران باید از سطح مدیریت بخشی و واکنشی، به سطح یک مسأله راهبردی و امنیتی منتقل شود.

همچنین از دیگر نتایج مهم پژوهش حاضر آن بود که یکپارچگی نهادی و استفاده از فناوری‌های نوین پایش در ترکیه نه تنها اختلافات داخلی را کاهش داده، بلکه مشروعیت تصمیمات دولت را افزایش داده و زمینه‌ساز مدیریت مؤثر تعارضات شده است. در

ایران، نبود این سازوکارها، احتمال تبدیل اختلافات میان بخش‌های کشاورزی، صنعت، انرژی و محیط زیست را به بحران‌های امنیتی افزایش داده و ظرفیت دولت برای مواجهه با خشکسالی و بحران‌های طبیعی را محدود کرده است. در جمع‌بندی نهایی بایستی اذعان داشت که تجربه ترکیه نمونه‌ای روشن از پیوند میان حکمرانی داده‌محور، ساختار نهادی منسجم و امنیت ملی است؛ درحالی‌که تجربه ایران نشان می‌دهد ضعف ساختاری و مدیریت بخشی می‌تواند منابع آب را از یک دارایی ملی به یک منشأ تهدید امنیتی تبدیل کند. بنابراین، اصلاح ساختار نهادی، تقویت هماهنگی میان‌بخشی، رویکرد داده‌محور و نگاه بلندمدت به منابع آب، نه تنها برای مدیریت پایدار آب، بلکه برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی، ژئوپلیتیکی و امنیت نسل‌های آینده ضرورت دارد. با توجه به این نتایج، می‌توان چهار راهکار اصلی برای ارتقاء امنیت ملی ایران از طریق سیاست‌گذاری منابع آب ارائه کرد:

۱. اصلاح مرحله‌ای حکمرانی با مکانیسم‌های پاسخ‌گویی و بودجه‌گذاری هدفمند: اجرای اصلاح نهادی به صورت مرحله‌ای: ابتدا تعیین وظایف روشن، شاخص‌های عملکرد و سازوکارهای پاسخ‌گویی حقوقی، سپس ادغام عملیاتی واحدها بر پایه آزمون و خطای کنترل‌شده. همچنین، اتصال بودجه و اختیارات به شاخص‌های عملکردی و شفافیت، انگیزه اجرای سیاست‌های هماهنگ را افزایش داده و از بازگشت به پراکندگی جلوگیری می‌کند.

۲. ایجاد «سامانه اطلاعاتی هوشمند منابع آب همراه با دیجیتال توین‌ها: توسعه یک شبکه ملی پایش، جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ و مدل‌سازی دیجیتال حوضه‌ها امکان پیش‌بینی دقیق‌تر کمبودها و سناریوهای بحران را فراهم می‌آورد. همچنین، دسترسی تحلیلی بین‌بخشی به این سامانه، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد را تسریع کرده و هماهنگی اجرایی میان وزارتخانه‌ها و بازیگران محلی را تقویت می‌کند.

۳. دیپلماسی آب منطقه‌ای مبتنی بر پروژه‌های مشترک و اقتصاد مشارکتی: به جای رویکرد صرفاً امنیتی یا تقابلی، پیگیری توافقات مبتنی بر منافع مشترک (پروژه‌های تولید انرژی مشترک، مدیریت سیلاب، طرح‌های انتقال فناوری) شرایط تعامل مثبت را ایجاد می‌کند. این مدل دیپلماسی، قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش می‌دهد، هزینه‌های تنش را کاهش می‌دهد و تاب‌آوری منطقه‌ای را از طریق منافع اقتصادی مشترک تقویت می‌کند.

۴. تاب‌آوری تقاضا محور و توانمندسازی جوامع محلی: تمرکز بر مدیریت تقاضا (بهینه‌سازی مصرف کشاورزی، تعرفه‌گذاری هوشمند، تشویق فناوری‌های کم‌مصرف) همراه با تقویت ظرفیت‌های محلی و شبکه‌های ایمنی اجتماعی، آسیب‌پذیری اجتماعی را کاهش می‌دهد. در ادامه نیز توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت منابع و تصمیم‌گیری مشارکتی، مشروعیت سیاست‌ها را افزایش داده و واکنش سریع و موثر در بحران‌ها را ممکن می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- اشتریان، کیومرث. (۱۴۰۴). «گسست حکمرانی آب در ایران: گفتمان، مشارکت، قانون، طرح و برنامه، اجرا و دیپلماسی». *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۵(۵۴): ۳۳-۱۰.
- حسینی، سید موسی. (۱۴۰۳). «دیپلماسی آب و نقش آن در حل تعارضات منابع آب فرامرزی». *نشاء علم*، ۱۴(۲): ۹۲-۸۴.
- حضوری، منیر. (۱۴۰۱). *سیاست‌گذاری و مساله آب در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: ندای آریانا.
- دمیرچیلو، فاطمه. (۱۴۰۳). «چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۰-۱۴۰۳)». *خدمات دریایی و بندری*، ۲(۲): ۲۰۷-۱۷۹.
- دهشیری، محمدرضا و حکمت‌آرا، حامد. (۱۳۹۷). «دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان». *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶(۲۴): ۶۱۷-۵۹۶.
- ذکی، یاشار و یوسفی، محمد. (۱۴۰۳). ««هیدرولیکال دیپلماسی»: رویکردی نوین در روابط هیدروپلیتیکی ایران و همسایگان؛ مطالعه موردی: حوضه رودخانه فرامرزی اروند رود». *جغرافیا*، ۲۲(۸۲): ۵۲-۲۷.
- رادمهر، احمد. (۱۴۰۳). *الگوی حکمرانی و سیاست‌گذاری آب کشاورزی: رویکردی به سوی توسعه پایدار*. حکمرانی منابع طبیعی، ۱(۴): ۳۳۸-۳۱۹.
- رهبرقازی، محمودرضا و طالعی‌حور، رهبر. (۱۴۰۳). «چالش‌های حکمرانی آب در ایران: بررسی علل و پیامدها از منظر داده‌بنیاد». *سیاست*، ۵۴(۳): ۴۳۸-۴۱۵.
- صانعی، سیدعلی؛ صانعی، سید صادق و غفوری، محمود. (۱۴۰۳). «دیپلماسی آب، کاتالیزور تقویت روابط ایران و همسایگان (مطالعه موردی: رودخانه هیرمند)». *مطالعات خاورمیانه*، ۳۱(۲): ۱۱۴-۸۹.

- عراقچی، سید عباس. (۱۴۰۱). *دیپلماسی آب و لزوم برون‌رفت از وضعیت بحران*. تهران: وزارت امور خارجه.
- کمالی، یحیی و کامیابی، کیانا. (۱۴۰۴). «فرا ترکیب توصیه‌های سیاستی سیاست‌گذاری آب در ایران (مقالات پژوهشی ۱۳۹۰ تا)». *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۵(۵۴): ۷۰-۹۳.
- گودرزی، مهناز. (۱۴۰۳). «دیپلماسی آب (ایران و رود ارس)». *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۳۰(۱۲۷): ۳۹-۵۸.
- متقی، افشین. (۱۴۰۱). *دیپلماسی آبی: گزینه مطلوب مناسبات و مسائل هیدروپلیتیک*. تهران: دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص).
- معصومی، اکبر. (۱۴۰۱). *دیپلماسی هیدروپلیتیک در مناسبات ایران با کشورهای غرب آسیا*. تهران: ناد.
- یوسفیان، ابراهیم؛ مکوندی، فواد؛ جمال‌منش، آرش؛ چناری، وحید و افروس، علی. (۱۴۰۳). «ارائه مدلی برای تحلیل سیاست‌های مقابله با بحران آب در ایران». *مطالعات کمی در مدیریت*، ۵۴(۳): ۱۰۲-۱۳۳.

- Alizadeh, F., Niksokhan, M. H., Nikoo, M. R., & others. (2025). Enhancing water security through integrated decision-making and selective withdrawal for sustainable reservoir management. *Journal of Scientific Reports*, (15), 1-13.
- Bilalova, S. (2025). Successful water governance pathways across problem contexts: what drives sustainability performance? *Journal of Ecology and Society*, 30(4), 1-26.
- Das, A., & Mishra, S. (2025). Smart and sustainable water management: Policy, technology, and innovation pathways for resource resilience. *Journal of Green Technology, Resilience, and Sustainability*, (5), 136-155.

- Giritlioglu, S., & Tsoy, N. (2024). Water security and regional stability in Central Asia: The case of Uzbekistan and Afghanistan. *Eurasian Research Journal*, 6(2), 113-137.
- Grun, G., & Doring, S. (2024). An analysis of Turkey's water diplomacy and its evolving position vis-à-vis. *International Journal of Water Law*, (48), 1-26.
- Guzey, G. E., & Onoz, B. (2024). The effect of climate change on hydroelectric production in the Upper Euphrates Basin: review and implications for Turkish water diplomacy. *Journal of Atmospheric Research*, 34(4). 151-178.
- Heriamsal, K., Pricilia Heatubun, R., & Adikusuma, A.I.T. (2025). Water Diplomacy and Non-Traditional Security: Iraq's Efforts to Overcome the Water Crisis. *Journal of International Studies*, 7(2), 162-179.
- Jafari, M., (2025). Toward a clearer conceptualization of water as a weapon. *Journal of Security Dialogue*, 26(3), 83-104.
- Metwally, A. (2024). Food-water nexus in the Euphrates-Tigris basin and the politics of upstream Turkey. *International Water Economics & Policy*, (36), 337-362.
- Namany, S., Govindan, R., & Al-Ansari, T. (2023). Operationalising trans-boundary cooperation through game theory: An energy water food nexus approach for the Middle East and North Africa. *Journal of Futures*, (152), 68-89.
- Orynbayev, Z., & Muminov, N. (2024). Water security policy of Kazakhstan. *Journal of World Economy and International Relations*, 68(5), 117-124.
- Roy, M. (2025). Trends, patterns, and future directions in water resources research: implications for water security and governance. *Journal of Water Resources Research*, 36(1), 148-173.
- Sahan, M. (2024). Preventive water diplomacy in the Middle East: A Turkish approach to basin management. *International Journal of Affairs and Regional Studies*, 28(1), 86-108.
- Sehring, J. (2023). Affective Hydropolitics: Introduction to the Themed Section. *Journal of Water Alternatives*, 16(3), 726-736.

- Turgul, A. (2024). Reflections on transboundary water conflict and cooperation: lessons for the Euphrates–Tigris basin. *Water International*, 49(6), 1-20.
- Williams, P. A. (2024). *Turkey's water diplomacy: theoretical perspectives and contemporary challenges*. New York: Springer.
- Zawahri, N. (2025). Effectiveness of joint basin institutions in managing transboundary rivers: lessons applicable to Turkey and the Euphrates Tigris. *Journal of Hydropolitics*, 3(1), 45-68.

